

## علل تحولات قانون گذاری و مدرن سازی نظام داورى در ساختارهای حقوقی ایران

◀ منیژه دانای علمی، وکیل پایه یک دادگستری

از اقتضائات دورانی که در آن به سر می‌بریم روند رو به رشد مبادلات تجاری و اقتصادی بین‌المللی و قراردادهای منعقد شده ناشی از آن است، که افزایش اختلافات یا حداقل [ضرورت] تفسیر این قراردادها را باعث می‌شود و داورى به عنوان شیوه حل و فصل خصوصی دعای که با طبیعت و ماهیت این گونه قراردادها تجانس غیر قابل انکار دارد، توسط طرفین قرارداد و یا عاملین تجارت بین‌المللی اتخاذ می‌شود.

بررسی حقوق تطبیقی و مطالعات ناشی از آن حاکی از تحولات وسیع و امیدوار کننده‌ای در نظامات حقوقی در خصوص داورى و در راستای تحقق اهداف داورى و ضمانت اجرای آراء اتخاذی داوران و تقلیل دخالت دادگاههای ملی کشورهاست. این تحولات در برخی از نظامهای حقوق ملی، مانند سوئیس، بلژیک و فرانسه زودتر آغاز گردید ولیکن در برخی دیگر از کشورها همچون ایران بسیار دیرتر اتفاق افتاده است.<sup>۱</sup>

از دیدگاه دکتربین حقوقی، تحولات و دگرگون سازی نظامهای حقوق ملی را می‌توان یا ناشی از فشار محیط بین‌المللی دانست که در نتیجه آن برخی از قوانین سخت، همچون حقوق انگلیس را در زمینه داورى تطفیف نموده و یا عواید اقتصادی حاصله از ایجاد مکانهای داورى در برخی از نقاط جهان و رقابت حاصله از آنهاست که باعث این تحول شده است؛ زیرا یک قانون لیبرال و مدرن می‌تواند کارایی بیشتری داشته و به بیانی دیگر، مورد نظر فعالان تجارت بین‌المللی در انتخاب مکان داورى قرار گیرد و به نظر برخی از نویسندگان دانشمند حقوقی به خوبی به فروش برود.<sup>۲</sup>

از اینجاست که شاهد اصلاح مقررات ملی در زمینه داورى به دلایل مختلف هستیم فلذا قبل از بررسی علل و عوامل تدوین قانون نوین داورى ایران در زمینه داورى‌های تجاری بین‌المللی ضرورت دارد که بصورت کلی عوامل تاثیرگذار بر قانون‌گذاران ملی را جهت اصلاح مقررات داورى که تقریباً در بسیاری از نقاط جهان و نظام‌های حقوقی جنبه عام دارد از یک سو، و آن دسته از علل و عواملی که موجب تغییر مقررات داورى در

قاره آسیا و در بین کشورهای مسلمان گردیده از سوی دیگر، مورد دقت نظر قرار گیرد تا از این رهگذر علل و عوامل مدرن سازی حقوق ایران در زمینه داورى که از طرف محققین بیان گردیده مورد تجزیه و تحلیل علمی و دقیق‌تر واقع شود:

۱- بررسی‌های تطبیقی و تغییرات و اصلاحات به عمل آمده در نظامهای حقوقی ملی در زمینه داورى (داخلی - بین‌المللی) حاکی از آن است که در قریب به اتفاق نقاط جهان این تغییرات را می‌توان هم به فاکتورهای دراز مدت و هم به دلایل مقطعی وابسته دانست. با این توضیح که:

از جمله فاکتورهای دراز مدت به‌نظر محققین<sup>۳</sup> رشد مبادلات اقتصادی بین‌المللی در جهان است که در نتیجه آن دعاوی مربوطه گسترش یافته است و در این میان داورى به عنوان شیوه معمول حل و فصل دعاوی تجاری بین‌المللی مطرح و ضرورتاً بازسازی و اصلاح آن مورد نظر قرار گرفته است. درکنار این فاکتورهای بلند مدت ما شاهد تاثیر فاکتورهای مقطعی بر نظامهای حقوقی ملی هستیم که از آن جمله، فاکتورهای حقوقی است که در این خصوص می‌توان تاثیر و نفوذ کنوانسیون‌های بین‌المللی (دو جانبه یا چند جانبه یا جهانی) خصوصاً کنوانسیون شناسایی و اجرای آراء داورى خارجی نیویورک (۱۹۵۷)، یا قانون نمونه آنستیرال (۱۹۸۵) [را] نام برد.

علاوه بر این دلایل تاثیرگذار، رقابت شدیدی مابین قطب‌های مختلف داورى بین‌المللی در مناطق مختلف جهان وجود دارد و جذابیت عوائد مستقیم و غیر مستقیم این فعالیت‌ها و خدمات و ارزش افزوده ناشی از آن موجب گردیده که این مکان‌ها سعی در جلب شمار بیشتری از داورى‌ها به‌سوی خود نمایند و چون یکی از دلایل مراجعه به این مکان‌های داورى بین‌المللی تدوین قوانین منطبق با نیازهای داورى است لذا این امر موجب افزایش فشار بر قانون‌گذاری ملی برای اصلاح و تدوین قانون مناسب گردیده است. همچنانکه در حقوق انگلیس شاهد آن بوده‌ایم.<sup>۴</sup>

از سوی دیگر در کشورهای جهان روبه‌های به کار گرفته شده توسط قانون‌گذاران ملی و

اصلاحات به عمل آمده در قوانین ایشان با توجه به درجه اهمیتی که به داورى تجاری بین‌المللی و جایگاه آن داده شده متفاوت است که از این نظر بر حسب نظر محققان می‌توان سه گروه ذیل را متمایز نمود:

۱- گاه اصلاحات بر پایه تغییرات موردی و محدود انجام می‌شود و می‌تواند یک مرحله از مسیر مدرن سازی درحقوق کشوری باشد که این تغییرات در آن انجام شده است، مانند کشورهای انگلیس و آلمان؛

۲- گاه این تغییرات کوچک اما راضی کننده است زیرا در متونی انجام می‌شود که مجموعاً متون قانونی رضایت‌بخش و پاسخگو است همچون نظام حقوقی اتریش؛

۳- اما اصلاحات کامل که بهترین بازاریابی حقوقی نیز هست و به عنوان تضمینی برای سادگی و در عین حال انسجام قانونی است، در آن دسته از قوانین می‌توان یافت که دچار بازسازی‌ها و اصلاحات قانون گذاری کلی و تحت گرایش‌ها و نفوذ و تاثیر قانون نمونه آنستیرال قرار گرفته است، مثل کشور ایران.

به‌علاوه حقوق داورى در بسیاری از کشورهای مسلمان چه در منطقه خاورمیانه یا خاور نزدیک و شمال آفریقا که برخی از آنها در مناطق نفت خیز جهان قرار دارند، موضوع مدرن سازی گسترده‌ای قرار گرفته و متحول گردیده است؛ زیرا رشد مبادلات تجاری بین‌المللی در منطقه و اهمیت و جایگاه تجارت خارجی با کشورهای اروپائی و آمریکایی که ۹۳٪ تجارت منطقه

را در اختیار دارند و شمار قابل توجه داوریهایی که یک طرف آن اعراب بوده اند و در کشورهای غربی جریان داشته، عاملان و دست اندرکاران بومی را به سوی مدرنیته نمودن قوانین داورى هدایت کرد.<sup>۵</sup>

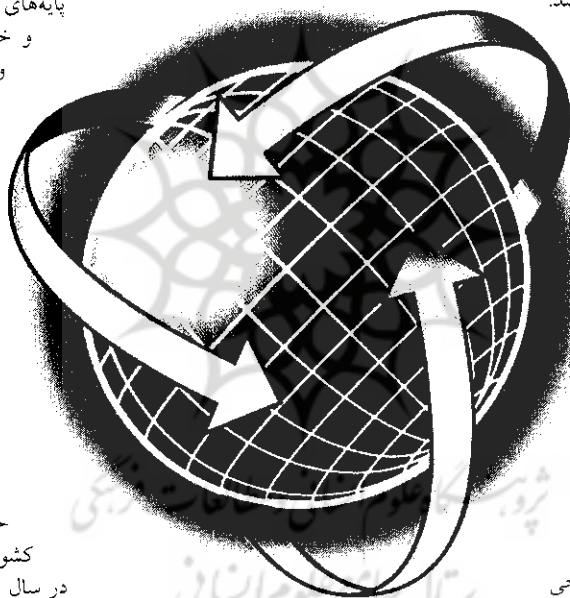
عوامل فوق را تا حدی می‌توان از جمله فاکتورهای دراز مدت دانست که موجب تغییرات گسترده در حقوق این کشورها گردیده است.<sup>۱</sup> همگام با تحولات قانون گذاری در کشورهای منطقه خاورمیانه برخی از این کشورها جهت ترغیب و تشویق سرمایه گذاری خارجی، قوانین مربوط به تشویق و ترغیب سرمایه گذاری را به تصویب رساندند که از آن جمله می‌توان به کشورهای الجزایر، مصر، یمن و لبنان اشاره کرد. امری که از نگاه فعالان تجارت بین‌المللی و حقوق‌دانان ایرانی هرگز دور نماند.

با این توصیف، علت تدوین و تحول قانون گذاری در خصوص مقررات مربوط به داوری در ایران را می‌توان در عین حال به کلیه عواملی که برشمرده شده است، اعم از عوامل مقطعی و بلند مدت و اهداف مربوط به ایجاد مکان داوری منطقه‌ای، نسبت داد و علاوه بر آن علت خاصی که می‌توان آن را مختص نظام حقوقی ایران دانست تاثیر و نفوذ افکاری نوین است که پس از انقلاب اسلامی در ایران حاکم شد. به نظر محققین موقعیت جغرافیایی و اقتصادی ایران به عنوان یک کشور نفت خیز در منطقه خاور میانه و عضویت وی به عنوان یکی از اعضاء موثر اوپک ایجاب می‌نمود که در صدد متحول سازی قوانین خود برآید و از این لحاظ از دیگر کشورهای منطقه در رقابت تنگاتنگ برای تبدیل شدن به پایگاه منطقه‌ای داوری پیشی گیرد و برای ترغیب سرمایه گذاری خارجی و تشویق آنان، به اصلاح و عندالزوم تدوین مقرراتی جدید در رابطه با داوری اعم از داخلی و بین‌المللی همت گمارد، زیرا همان طور که متخصصین حقوق تجارت در ایران گوشزد نموده اند نارسائی برخی قوانین و مقررات مربوط به داوری از یک سو و نبود قوانین و قواعد حاکم بر تجارت بین‌الملل از سوی دیگر و تفاسیر متفاوت از برخی از اصول قانون اساسی همچون اصل ۱۳۹، اصل ۸۸ و وجود اختلاف عقیده و مشی سیاسی و اقتصادی از جمله موانع سرمایه گذاری در ایران محسوب می‌گردید.<sup>۲</sup> فلذا محققین فوق، به عنوان راه حل جهت نیل به پیشرفت درخصوص جلب سرمایه‌های خارجی در رقابت تنگاتنگ با دیگر کشورهای منطقه، راه حل اصلاح اصول و قوانین و مقررات موجود در خصوص داوری به منظور جلب و حمایت سرمایه گذاری خارجی را پیشنهاد نمودند.<sup>۳</sup>

فی‌الواقع در یک نتیجه‌گیری کلی، تمامی عللی که از نظر تطبیقی و در خصوص مدرن سازی قوانین ملی اعم از فاکتورهای مقطعی و درازمدت و بازاریابی حقوقی توسط محققین بنام برشمرده شده بود، در تغییر ساختار نظام حقوقی کشور ایران در این زمینه به چشم می‌خورد.<sup>۴</sup> علاوه بر علل فوق می‌توان شور و تحرک قانون‌گذاری در کشور ایران را ناشی از تحولاتی دانست که بر ساختارهای سیاسی و حقوقی و اجتماعی ایران پس از انقلاب اثر گذارد؛ پس از

انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، لزوم بازنگری در قراردادهای داخلی و بین‌المللی که در جهت تامین مصالح ملت ایران قراز نداشت، مورد توجه قرار گرفت و این امر موجب اختلافاتی در اجرای قراردادها شد و در نتیجه بحث حل اختلاف و رجوع به داوری به عنوان شیوه حل و فصل اختلافات طرفین مطرح گردید.

تسخیر سفارت ایالات متحده آمریکا در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ بوسیله ۵۲ نفر از دانشجویان پیرو خط امام، موجب تشدید بحران در روابط دو کشور و اتباع آنان گردید و از سوی دیگر جنگ تحمیلی موجب تاخیر در اجرای پروژه‌های عمرانی موجود شد و خود این امر باعث افزایش دعاوی متعدد ناشی از قراردادها گردید. [و] چون بسیاری از این قراردادها حاوی شرط داوری بود، نهاد داوری به عنوان طریقه حل و فصل دعوی مطرح شد. به بیان



دیگر مسئولان و دست‌اندرکاران را متوجه کاستی‌ها و کهنگی قانون آیین دادرسی ۱۳۱۸ (سابق) نمود و لزوم بازنگری از آن را خاطر نشان ساخت. لذا اولین گام در پاسخ به اقتضات زمان، تدوین قانون داوری تجاری بین‌المللی در تاریخ ۲۶/۷/۷۶ (۱۷ سپتامبر ۱۹۹۷) در ۹ فصل و ۳۶ ماده است که در مهر ماه همان سال به تصویب شورای نگهبان رسید قانون فوق از قانون نمونه آنستیرال که به نظر برخی حقوق‌دانان بسیار معروف، مانند فوشار، شاهکار صلح آمیز و از نظر برخی دیگر، فصل مشترک اجماع بین‌المللی شناخته می‌شود، الهام گرفته است. نتیجه اینکه ایران، در زمره آن دسته از کشورهایی (در جهان و در منطقه) قرار گرفت که از این طریق به مدرن سازی قوانین مربوط به داوری خود پرداختند اما این قانون در عین حال دارای ضعف‌ها و نارسائی‌هایی است که به دلیل عدول نابجا از قانون نمونه آنستیرال است.<sup>۵</sup>

### نتیجه

در یک نتیجه‌گیری کلی ایران همسو با تحولات قانون گذاری در دیگر نقاط جهان مقررات مربوط به داوری بین‌المللی خود را با الهام از قانون نمونه آنستیرال از طریق تدوین قانون داوری تجاری بین‌الملل ایران مصوب در سال ۱۳۸۶ مدرنیزه کرده و با الحاق به کنوانسیون نیویورک، شناسائی و اجرای آرای داوری خارجی مشمول این کنوانسیون را در ایران آسان نموده است. به بیان دیگر با به‌کارگیری بهترین ابزارهای حقوقی نوین، همسو با اقتضات جهانی امروز، گامی فراخور سابقه تاریخی چند هزار ساله<sup>۶</sup> در این مرز و بوم در بکارگیری نهاد داوری در حل و فصل اختلافات برداشته است. اما همچنان شیوه شناسائی و اجرای رأی داوری خارجی که مشمول کنوانسیون نیویورک نیست<sup>۷</sup>، به دلیل سکوت قانون در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در نتیجه یافتن راه حل اجرایی این گونه آرا علاوه بر دکتربین، برعهده رویه قضائی ایران است که پایه‌های حقوقی را در باب داوری‌های بین‌المللی و خارجی برپا کند و در سکوت قوانین ملی و مقررات کنوانسیونی در خصوص نحوه شناسائی و اجرای آرای داوری خارجی که مشمول کنوانسیون نیویورک نیستند آن را اندک‌اندک پی‌سازی کند و با ارائه مجموعه‌ای از احکام به تبیین خط سیری منطبق با اقتضات زمان، قواعد محدودکننده و مضیق داخلی را به کناری بگذارد و قواعد مادی را که هدف آن ارتقاء کارائی داوری بین‌المللی است، بنیان نهد.

### پی‌نوشت‌ها:

۱- قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۷ تدوین شده، حال آنکه این تحرکات قانون گذاری در کشور سوئیس در سال ۱۹۶۹ و در بلژیک در سال ۱۹۷۲ و در کشور انگلیس در سال ۱۹۷۹ صورت گرفته است و اصلاحات مربوط به قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه طی مصوبه سانهای ۱۹۸۱-۱۹۸۰ صورت پذیرفت.

۲- Fouchard, Gaillard et Goldman, -  
Traité de l'arbitrage commercial  
et international, page ۸۳ no ۱۵۲  
suivants

به عنوان یک بحث تطبیقی در این مورد می‌توانید یکی از علل تحرکات قانون گذاری در خصوص تدوین قانون داوری تجاری ایران را در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۷ این امر دانست که دلمشغولی برخی از حقوق‌دانان در جریان تصویب لایحه قانونی داوری بازرگانی بین‌المللی بوده و به دقت مورد بحث و مذاقه واقع شده است که در این خصوص می‌توان به منصور جعفریان، «تامالاتی بر لایحه داوری تجاری بین‌المللی و دکتر افتخار جهرمی، تحولات نهاد داوری در قوانین موضوعه ایران: دستاورد آن در حوزه داوری بین‌المللی، دکتر لعیاجنیدی، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری‌های

du droit anglais de l'arbitrage depuis  
1979 la loi de Rev. arb. 209, 1991

NAJAR Nathali, L>ARBITRAGE  
DANS LES PAYS ARABES FACE  
AUX EXIGENCES DU COMMERCE  
۷۰. No. ۴۴ INTER NATIONAL, page  
et s

۶- برای توضیح این چشم انداز با توجه به نظر محققین منابع غربی حقوق «دوری» و «تجاری» در کشورهای عربی در دو دسته عمده جای می‌گیرد:

۱- قوانین ملهم شده و یا مشتق شده از الگوهای غربی کنونی که تحت عنوان قوانین مدرن از آن یاد می‌شود.

۲- قوانینی که از حقوق غربی سابق الهام گرفته و در کشورهای مبدا این قوانین دچار اصلاحات شده است که تحت عنوان «قوانین سنتی» نامیده می‌شوند با این توضیح که قوانین ملهم شده و یا مشتق شده از الگوی غربی، دو منبع الهام عمده را در اختیار داشته اند که عبارتست از: الف: قانونه نمونه آنسیترال مصوب ۱۹۸۵

ب: و قانون نوین آئین دادرسی مدنی فرانسه برگرفته از اصلاحات ۱۹۸۱-۱۹۸۰:

با این توضیح که قانون نمونه آنسیترال در کشورهای عربی دچار اصلاحات گردیده و در هر یک از قوانین کشورها ویژگی‌های خاص خود را دارد در میان این کشورها می‌توان تونس و مصر و عمان و اردن و بحرین را نام برد.

از میان کشورهای که قوانین آنها از اصلاحات قانون نوین دادرسی فرانسه ناشی از مصوبه ۱۹۸۰-۱۹۸۱ اقتباس شده، می‌توان قوانین کشورهای الجزایر و لبنان را نام برد.

با وجود تحرکات بوجود آمده در خصوص مدرن سازی مقررات مربوط به دوری، بسیاری از کشورهای عربی قوانین قدیمی خود را حفظ نموده یا اصلاحاتی را بر اساس الگوهای قدیمی کشورهای دیگر انجام داده و منبع الهام آنها از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد.

با این حال با وجود تفاوت میان مقررات ملی، قوانین دوری در کشورهای لیبی و سوریه، کویت و قطر و امارات دارای مشخصات مشترکی هستند (همان منبع شماره ۸۴) و اگر به دسته بندی آنها توجه شود از دو منبع مختلف الهام پذیرفته اند: حقوق فرانسه یا حقوق فرانسه - مصر، قبل از حقوق حاکم فعلی. در دو کشور فوق از جمله می‌توان حقوق دوری مغرب را نام برد که به دلیل تحت الحمایگی بودن مستقیم حقوق فرانسه قدیم را مورد استفاده قرار داده و همچنین قوانین مربوط به لیبی و سوریه و کویت و قطر که به‌طور غیر مستقیم از حقوق فرانسه قبل از سال ۱۹۸۵ الهام گرفته اند که عمدتاً از قوانین دادرسی مدنی سابق مصر (مواد ۱۹۴۹ و ۱۹۶۸) که تحت تأثیر قانون فرانسه قرار داشت ملهم گردیده است.

برای توضیح بیشتر به مراجعه شود به NAJAR Nathalie, همان منبع، شماره ۷۰ تا ۸۹ ص ۴۴ تا

تجاری بین‌المللی مراجعه نمود که نویسنده اخیر یکی از مهم‌ترین دلایل عدم ایجاد دومین مرکز داورى منطقه‌ای «کمیته مشورتی حقوقی آسیایی و آفریقایی» در مسایل نفتی در تهران موضوع بیست و ششمین اجلاس سالانه کمیته مزبور را در سال ۱۹۸۷ عدم وجود مجموعه مقررات داورى مناسب در نظام حقوقی ایران دانسته است، اما به نظر می‌رسد که این موضوع منتفی گردیده است. زیرا با همت حقوق‌دانان دلسوز در سال ۱۳۷۵ مرکز داورى کمیته حقوقی مشورتی آسیایی آفریقایی تهران که موافقتنامه تاسیس آن بین دولت ایران و مسئولین کمیته مزبور در سال ۱۳۷۵ امضا شده، به وجود آمده است که این مهم نشان دهنده عزم دولت ایران به تشویق داورى بین‌المللی می‌باشد. مراجعه شود به دکتر افتخار جهرمی ص ۲۷ همان منبع.

۳- برای بررسی بیشتر در خصوص عوامل تأثیرگذار مقطعی و درازمدت مراجعه شود به  
Voir Fouchard, Gaillard et  
Goldman, Ibid

۴- برای مثال در کشور بریتانیای کبیر قبل از اصلاحات سال ۱۹۷۹، با این توضیح که براساس قانون دوری ۱۹۵۰ Arbitration Act (art. ۲۱) به طرفین یک داورى در جریان، در انگلیس اجازه می‌دادند که دعوای خود را در High-Court از طریق دادرسی موسوم به special case رجوع کنند و از سوی دیگر قاضی انگلیسی نیز همواره این اختیار را داشته که در صورت مشاهده اشتباه موضوعی و یا حکمی رای داورى اتخاذی در آن کشور را ابطال کند. این دو فاعده که حاکی از استیلاء کامل قاضی انگلیس بر داورى در جریان در این کشور را به اثبات می‌رساند، ریشه در سنت قضائی حقوقی این کشور داشت، اما این روند مورد اعتراض و امتناع شرکتهای خارجی قرار گرفت، لذا برای آنکه لندن بتواند جایگاه خود را به عنوان یک مکان داورى بین‌المللی مهم تثبیت کند در گام اول، کنوانسیون نیویورک مورخ ۱۹۷۵ در چارچوب قانون دوری انگلیس پذیرفته شد و در گام بعدی قانون سال ۱۹۷۹ در انگلیس به تصویب رسید ولیکن این قانون نتوانست داورى را به طور کلی از قید و بند رها سازد و همچنین به عنوان یک بحث تطبیقی می‌توان نظام حقوقی ایران را قبل از اصلاحات سال ۱۳۷۶ برشمرد که به علت عدم وجود قانونی مستقل ناظر بر داورى بین‌المللی و ناکافی بودن قوانین موجود، طرفهای ایرانی قراردادهاى بین‌المللی اعم از دستگاههای دولتی و یا اشخاص خصوصی نمی‌توانستند طرفهای خارجی قرارداد را به پذیرش ایران به عنوان محل داورى متقاعد سازند. در این خصوص مراجعه شود به: دکتر افتخار جهرمی، تحولات نهاد داورى در قوانین موضوعه ایران: دستاورد آن در حوزه داورى بین‌المللی برای بررسی بیشتر حقوق انگلیس و غیره نگاه شود به ص ۸۵ شماره ۱۵۷, Voir Fouchard, Gaillard et Goldman, Ibid

یا

Boyd et Veeder, Le développement

۵۷. در خصوص تحولات قوانین کشورهای عربی و دیگر کشورها NAJAR Nathalie, همان منبع.

۷- رجوع شود به بهروز اخلاقی. سخنی در باره آینده سرمایه گذاری در ایران: بررسی اجمالی علل، موانع و پیشرفت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ص ۱۰، همچنین مراجعه شود به منصور جعفریان، تاملاتی بر لایحه دوری تجاری بین‌المللی (۱)، مجلس و پژوهش ص ۱۱۱-۱۱۲، ۸- دکتر سید حسین صفائی، سخنی چند درباره نوآوری‌ها و نارسایی‌های قانون دوری تجاری بین‌المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۱ و دکتر افتخار جهرمی، همان منبع.

۹- و درخصوص علل تدوین قانون تجاری بین‌المللی ایران نگاه کنید به منصور جعفریان، همان منبع، سید حسین صفائی، همان منبع، دکتر افتخار جهرمی، همان منبع.

۱۰- در این خصوص مراجعه شود به مقاله دکتر سید حسین صفائی، منصور جعفریان، سید محمد اسدی نژاد و در خصوص ویژگیهای خاص آن مراجعه شود به جمال سیفی منبع سابق.

۱۱- نظام دوری به شکل ابتدایی حدود چهار هزار سال قبل از میلاد مسیح در دوره ایلامی‌ها ( دوره

## با وجود تحرکات بوجود آمده در خصوص مدرن سازی مقررات مربوط به دوری، بسیاری از کشورهای عربی قوانین قدیمی خود را حفظ نموده یا اصلاحاتی را بر اساس الگوهای قدیمی کشورهای دیگر انجام داده و منبع الهام آنها از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد

پیش آریایی‌ها) شروع گردید. برای توضیح بیشتر مراجعه شود به دکتر سید حسن امین، تاریخ حقوق ایران، انتشارات دائرةالمعارف ایران شناسی، ۱۳۸۲- ص ۱۱۱ و در خصوص دوری در دوره مادها و ساسانیان و غیره، مراجعه شود به اشرف احمدی، قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان، تهران، وزارت فرهنگ و هنر.

۱۲- طبق ماده واحده قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام دوری خارجی مصوب ۱۹۵۷ نیویورک، ایران در تاریخ ۲۴ فروردین ماه سال ۱۳۸۰ به این کنوانسیون جهانی ملحق شد و مصوبه مزبور در ۱۰/۲۹/۸۰ به تأیید شورای نگهبان رسید (منتشره در روزنامه رسمی مورخ ۱۳۸۰/۲/۲۹ ص ۵) و طبق بند اول آن شرط «تجاری بودن» موضوع آن، و طبق بند سوم این ماده واحده شرط «عمل متقابل» توسط دولت ایران اتخاذ گردیده است.

لذا با توجه به این دو شرط، شناسایی و اجرای آرای خارجی که در موضوعات غیر تجاری و یا در کشورهای غیر عضو کنوانسیون اتخاذ گردیده است، مشمول کنوانسیون نیویورک نبوده و شناسایی و اجرای این دسته از آرای خارجی است که در بونه سکوت قرار گرفته است.